

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (صص ۴۲-۲۵)

نقد دیدگاه حسن الدین احمد پیرامون نماد

۱- حسین خاکپور ۲- علیرضا حیدری نسب ۳- عبد الغنی کردی

چکیده

حسن الدین احمد قرآن پژوه معاصر شبه قاره آثار متعددی درباره قرآن به رشته تحریر در آورده که مهمترین آنها «رویکردی نو به مطالعه قرآن» می باشد. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی، بحث "نماد" را از دیدگاه این اندیشمند تحلیل و بررسی نموده است. حسن الدین احمد، تلاش می کند "نماد" را به صورت خلاصه و مفید در کتاب پیش گفته طرح نماید. بیان ایشان دارای نکات مفیدی است اما کاستی ها و نواقصی هم دارد. عدم توجه به منابع اصیل اسلامی و نظر مفسران قرآن، تاثیر پذیری بی ضابطه از مستشرقان، عدم رعایت قواعد زبانشناختی، نادیده گرفتن حجیت ظواهر قرآن، از مهمترین آسیبهای مبنایی، روشی، مفهومی و مصداقی دیدگاه ایشان می باشد.

کلید واژه ها: شبه قاره، حسن الدین احمد، نماد، سمبل.

۱- مقدمه

حسن الدین احمد نویسنده و قرآن پژوه مشهور شبه قاره هند، دکترای خود را در دانشگاه ملی اسلامی دهلی نو، به پایان رسانید و روزگاری وزیر اوقاف هند بود. وی اندیشه های قرآنی خود را

۱- دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: dr.khakupour@theo.usb.ac.ir

۲- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان Email: heydarinasab43@theo.usb.ac.ir

۳- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه سیستان و بلوچستان Email: a.ghkordi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱

به دو زبان اردو و انگلیسی به رشته تحریر در آورده که مهمترین و جدیدترین آراء این پژوهشگر در کتاب "A New Approach to the Study of the Quran" (رویکردی نو به مطالعه قرآن) منعکس شده است. این کتاب حاوی آراء و اسلوب جدید پیرامون قرآن می باشد که تا کنون به فارسی ترجمه نشده و از دریچه ادبی و زبانشناسی مورد نقد و تحلیل قرار نگرفته، براین اساس بررسی و ارزیابی دیدگاه های این اندیشمند معاصر اهمیت بسیاری دارد.

کتاب پیش گفته در سال ۱۹۹۷ به رشته تحریر در آمد و در سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۸ با ویرایش جدید توسط انتشارات بهترین کتابهای جهان در دهلی نو به زیور طبع آراسته شد. کتاب "رویکردی نو به مطالعه قرآن" حاوی یک مقدمه کوتاه و پنج فصل است. فصل اول: "اسلوب قرآن" شامل: تکرار، قرآن و شعر، وزن و قافیه و... فصل دوم: "علم بدیع در قرآن" از تشبیه، تمثیل، استعاره، "نماد" و... بحث می کند. فصل سوم: "اصطلاحات قرآن"، درباره اصطلاحات الآخره، الله، ایمان و... می باشد. فصل چهارم "تعبیر قرآن" برخی از مفاهیم قرآن را تبیین می کند. فصل پنجم: آیات، واژه ها و نام های زیبا در سه بخش، ۳۲ آیه زیبا، ۴۱ واژه و ۱۲ نام مورد بررسی قرار گرفته اند. حسن الدین احمد با اشاره به اهمیت تفکر و تدبیر در قرآن کریم، بر تامل و تعمق صحیح در قرآن کریم تأکید کرده و کتاب خود را پاسخی به این دستور قرآن دانسته است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

"نماد" از جمله مسائلی است که از دیرباز مورد توجه دین پژوهان بوده است. واژه "symbol" در اصل یونانی به معنای نشان، مظهر، علامت و... به کار می رود. معادل فارسی این واژه، کلمات: "رمز، نشانه، راز، سر، نماد، معما..." می باشد. استادان فن به جای "symbol" بیشتر واژه نماد را اصطلاح کرده اند. (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۳۲) البته واژه سیمبل عام و کاربرد آن در نماد خاص می باشد زیرا سیمبل جنبه ناخود آگاهی وسیع تری دارد که در نماد نیست. نمادهای قرآنی را می توان در چند بخش دسته بندی نمود. قسمت اول: نمادهایی که در ادیان آسمانی پیش از اسلام به کار رفته اند، مثل: روح القدس، عرش و... قسمت دوم: نمادهای خاص قرآن که در هیچ کتاب آسمانی دیگری به کار نرفته اند، مثل: لوح محفوظ، ام الكتاب و... قسمت سوم نمادهای فرهنگی اقوام غیر عرب و حتی غیر سامی، مثل: پرستش "عجل" در آیه ۹۲ سوره بقره که تحت تاثیر پرستش گاو پرستی مصری بوده است (رشیدی، ۱۳۹۲: ۹۰).

براین اساس برای درک درست نماد های قرآنی احاطه کامل به قرآن و روایات و نیز فرهنگ اقوام و ملت هایی که قرآن به آنها پرداخته لازم است زیرا تاویل برخی از نماد ها در قرآن و روایات بیان شده است. (طباطبایی، ۱۳۹۷ق، ۱۲۱/۱۵) با توجه به موارد پیش گفته، سوال اصلی تحقیق، این است که: چه نقدهایی بر اندیشه حسن الدین احمد پیرامون نماد، وارد است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف پژوهش حاضر تحلیل و بررسی دیدگاه حسن الدین احمد پیرامون نماد می باشد. نماد یکی از باستانی ترین، پر دامنه ترین، پر نفوذترین و پیچیده ترین شیوه هایی است که انسان به کمک آن درون مایه پرتکاپوی خیال، اندیشه و شهود خود را به صورت هنر آفریده است. (ناظر زاده کرمانی، ۱۳۸۰، ۳۹/۱) نویسنده که از محققین برجسته شبه قاره می باشد تلاش می کند: زیبایی های قرآن را به تصویر کشیده و مطالعه سامان مندی را برای محققان فراهم سازد. از آن جا که این اثر فاخر تا کنون به فارسی ترجمه نشده و از دریچه زیانشناسی و ادبی هم کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پرداختن به آن ضرورت دارد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفته است. پس از ترجمه دیدگاه حسن الدین احمد از منبع اصلی و بیان دیدگاه وی پیرامون نماد، آسیب های مبنایی، روشی و غایی این دیدگاه به تصویر کشیده شده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

تا جایی که نگارندگان جستجو نموده تا کنون کتاب، پایان نامه و مقاله مستقلی پیرامون نقد دیدگاه حسن الدین احمد در باره نماد نگاشته نشده است، اما به صورت کلی می توان مواردی را مشاهده کرد. مقاله " نقد کتاب رویکردی نو به مطالعه قرآن " (احمد زاده، ۱۳۹۴) نویسنده در این مقاله به نقد کلی کتاب پرداخته و در حد دو صفحه بحث نماد را طرح و برخی اشکالات آن را بیان می کند. البته داوری این پژوهشگر براساس نسخه الکترونیکی سال ۲۰۰۴ می باشد که این نسخه دارای اشکالات فراوانی است. مقاله " اعجاز قرآن از دیدگاه حسن الدین احمد در کتاب رویکردی نو به مطالعه قرآن " (خاکپور و کردی، ۱۳۹۳) این مقاله به مسأله اعجاز در اندیشه حسن الدین احمد می پردازد، بحثی که مولف محترم در فصل اول با عنوان "اسلوب قرآن" به آن

پرداخته است.. مقالاتی هم صرفاً پیرامون نماد در قرآن نوشته شده است. از جمله: "نماد و جایگاه آن در قرآن" (امامی، ۱۳۷۸)؛ نمادهای جاندار در قرآن (رشیدی، ۱۳۹۲) قرآن و زبان نمادین (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹) زبان نمادین و انشایی در قرآن (۱۳۹۳). دو اثر اخیر صرفاً این بحث مطرح می‌شود که زبان قرآن نمادین است یا خیر؟

با توجه به آن چه بیان شد، درباره موضوع پیش رو تا کنون اثر مستقلی نگاشته نشده است

۲- بیان دیدگاه حسن الدین احمد پیرامون نماد

حسن الدین احمد پس از تعریف نماد با استفاده از فرهنگ Oxford "می‌گوید: تشبیه‌ها و استعاره‌ها و نمادها ابزارهایی هستند که بوسیله آنها عبارات بیشتر ثمر بخش می‌شوند. برخلاف تشبیه و استعاره، در نماد قیاس مطرح نیست. کلمات خودشان موضوع را شرح می‌دهند و معانی لغوی از قید و بندهایشان تفکیک می‌شوند. عملکرد تشبیه، استعاره و کنایه نیز بوسیله نماد اجرا می‌شود. (hasanuddin, 2008, 64) نمادها معنایشان را رفته رفته و در خلال توجه مستقیم بشر به حقیقت‌های ابدی جهان مانند روز حساب پدیدار می‌سازند حقایقی که برای ذهن انسان قابل فهم نیستند. وقتی که گستره انگاره‌ها و مفاهیم عریض تر می‌شود، برخی استعاره‌ها و دیگر آرایه‌های ادبی به طور پیوسته استفاده می‌شوند، و این آغاز "نمادگرایی" است. به عبارتی دیگر، استعاره در خلال کثرت استعمال در جایگاه نماد قرار می‌گیرد. در نماد، عین معنای کلمه به حدی گسترده می‌شود که پیامدهایش برای کل زندگی یا بخش‌هایی از زندگی به صورت نماد در می‌آید (ibid:64).

از آن جایی که ادبیات - در بلندترین سطح اش - دارای لایه‌های متعدد و معانی گوناگونی است و صنایع بدیع، نقش انتقال این معانی را ایفا می‌کند، "نماد" به خاطر نقش مهمی که در برای انتقال ایده‌ها بر عهده دارد، اهمیت می‌یابد. از این رو فهم شاهکار ادبی بدون فهم نماد‌های آن وزمینه‌های کاربرد آن نمادها امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر در ادبیات فاخر کلمات توانایی انتقال کامل معانی را ندارند، برای همین از "نماد" جهت بیان کامل این انگاره‌ها و ایده‌های متعالی استفاده می‌شود. به عبارتی دیگر، بسیاری از انسان‌ها به طور کامل معنی کلمات را دریافت نمی‌کنند. وقتی که کلمات از بیان این تفاوت‌های ظریف عاجز می‌مانند، یک "نماد" مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد تا شرایط لازم را برای بیان آن کلمات مهیا کند. کلمات به خاطر استفاده در قرن‌های

متمادی، در دامنه معنایی محدودی محصور هستند. وقتی که یک جریان، انگاره و مفاهیم تازه ای را با خود بیاورد، بیان کردنشان محیط جدیدی رامی طلبد.

در ادبیات استفاده از نماد "نماد انگاری یا نماد پردازی" نامیده می شود. مشکل اساسی "نماد پردازی" گزینش صحیح نماد است. در گزینش نمادها، باید به خاطر داشت که شباهت و پیوند در خصیصه ها وجود داشته باشد. نمادگرایی به نظر بسیار فشرده می نماید. اگر مؤلفه های تخیلی مطرح باشد، استفاده از نمادگرایی نسبتاً زیاد تکرار می شود. "نماد" در بیشتر کتابها دینی به کار رفته است. نماد به تنهایی معنی ندارد و رویکرد متن و نویسنده آن است که معنای نمادها را تعیین می کند. اگر احساس جایگاه اصلی را در شرح و توصیف داشته باشد، استفاده از نماد ضروری است. احساس درد، حزن، شادی و دیگر احساسات ظریف و لطیف بدون استفاده از نماد نمی توانند به طور کامل منتقل شوند. این طرز بیان به هر حال از نمادهایی که بدون استفاده از مؤلفه احساس بکار می روند، متمایز است. (ibid:65) با توجه به حقایق ابدی، خرد و پیشینه ذهنی و محدودیتهای مخاطبان، قرآن با مشکل ارائه پیامهای جهانی و فراگیر مواجه بود. دایره واژگان گسترده زبان عربی از بیان مفاهیم خاص قرآن ناتوان بود. بنابراین خداوند متعال محیط لازم برای فهماندن آنها بوسیله نمادها را ایجاد کرد. کلمات به دلیل استفاده در دوره های طولانی به یک محیط محدود می شوند. قرآن انگاره ها و مفاهیم جدیدی را مطرح و برای بیان آن ها اصطلاحات تازه ای ایجاد کرد. قرآن در این راه به صورت مداوم از استعارات استفاده و نماد هایی ارائه می کند. در نتیجه ما شاهد "نمادگرایی و نشان پردازی" در قرآن هستیم. به عبارتی دیگر استعارات جایگاه نماد را به دلیل استفاده مکررشان تصاحب کرده اند. این یکی از اعجازهای قرآن است که ما از شرایط زندگی پس از مرگمان در طول عمر فقط بوسیله نمادها و رمزها با خبر گشته ایم. (ibid:66)

(ریاضیات معنای نماد معلوم و ثابت است و احتمال خلاف آن وجود ندارد. برخلاف ریاضیات، در ادبیات فاخر، معنا و مفهوم نماد بیش از همه مبهم است. به عبارتی دیگر، همیشه احتمال تغییر و عدول از آن وجود دارد. با توجه به ابدی بودن قرآن، نمادهای آن قابل بازبینی نیستند. معنایی که بر یک نماد گذاشته شده باید برای همیشه بماند، و این یکی از معجزات قرآن است. قرآن با موفقیت احساساتی را که با کلمات عادی بیان نمی شوند، ابزار کرده است. سبک مجازی قرآن شرایطی را می سازد که مفاهیم و معانی در قالب نماد نمایان می شوند. برای مثال قرآن از "صبح"

به عنوان نمادی برای " زمان مقرر شده عذاب " استفاده کرده است. مثل آیه: وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ هود/۶۷ و نیز به آیات ﴿هود/۸۱ و ۹۴﴾ استناد می کند...

یا "صبح شر" مثل آیه ی: فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ صافات/۱۷۷ حتی کلمات مشتق از " صبح " مانند " یصبحن " نیز برای نماد "عذاب " به کار رفته اند(قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ مومنون/۴۰ در ارزیابی برخورد و رفتار فرعون و مردمانش ، حضرت موسی خطاب به آنان گفت: إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ۱۹ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ دخان/۲۰ عبارت "ترجمون " در آیه بالا یک معنای نمادی دارد که به طرز رفتار فرعون و مردمش دلالت دارد(ibid:66) به اعتقاد " عبدالله یوسف علی " احتمالاً سنگسار در این آیه نماد هر آسیب یا افترائی باشد^۲. با توجه به این که حضرت موسی با طرد شدن ، استهزاء ، نکوهش ، افتراء ، تقبیح و ... مواجه شد . هیچ واژه ای نمی توانست این همه معانی را بیان کند، بنا براین خدا از نماد "سنگسار" بهره جسته تا این حالات را به صورت نمادین بیان کند. یک اشاره ی نمادین تلمیح نامیده می شود. تلمیح اشاره ای غیر مستقیم در یک گفتمان است که بوسیله اشاره یا نقل قول ، به چیزی معمولاً آشنا صورت می گیرد .

" صلاة " نیز در قرآن به عنوان نماد به کار رفته است . زمانی که حضرت شعیب پیام الهی را به مردم مدین رساند ، آنها گفتند:قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا هود/۸۷ در این آیه کلمه " صلاة " به عنوان نمادی برای کلمه "دین " است..(ibid:66) در سوره مسد " ابولهب " به عنوان نمادی برای مخالفان " پیام الهی " می باشد .

" بادها " در قرآن به عنوان نمادی برای رشد فکری و امید بکار رفته اند. مقایسه ای روشن بین " بادها " و " آیه های " قرآن وجود دارد . درست همان گونه که بادها ممکن است ابرها را با خود بیاورند و باران زا و مفید برای محصولات باشند، با باران سیل آسا ممکن است مصیبت وحادثه به بار آورند ، آیات قران نیز بر عقل و امید مؤمنان می افزاید و هم جهل و ترس برای کافران به ارمغان می آورند. بنابراین، شایسته است که قرآن از باد و باران به عنوان نماد رشد عقلانی استفاده نماید .وی به آیه ۵۸ اعراف استدلال می کند. (hasanuddin,2008,63-68)

۳- نقد و ارزیابی دیدگاه حسن الدین احمد پیرامون نماد :

۱=۳- نقد روشی

شیوه و روشی که حسن الدین احمد در طرح بحث نماد بیان نموده، از چند جهت قابل تامل است.

۱-۱-۳- بهره گیری از منابع غیر اصیل

شواهد نشان می دهد او از میراث و منابع غیر اصیل استفاده کرده است. بیشتر منابع مورد استناد وی فرهنگها و کتابهای انگلیسی می باشد که نویسندگان آنها هیچ کدام مسلمان نیستند. برخی از این منابع در پا نوشت ها ذکر شده است.

۲-۱-۳- عدم مراجعه به نظر مفسران مسلمان

به نظر می آید مشکل حسن الدین احمد از جایی نشأت می گیرد که وی به منابع اصیل اسلامی و اندیشه های بلند متخصصان ژرف اندیش قرآن در حوزه معرفت دینی، مراجعه نکرده است. این مساله در سراسر کتاب مشهود می باشد.

۳-۱-۳- تاثیر پذیری بی ضابطه از مستشرقان

بسیاری از دشواری های دین شناسی های غربی - که حسن الدین هم متأثر از آنهاست - ناشی از مبانی معرفت شناسی تک ساحتی آنان است که در تجربه گروهی محبوس شده اند. در صورتی که در معرفت شناسی جامع حکیمان مسلمان تجربه در کنار تعقل، شهود عرفانی و معرفت وحیانی، هریک در سطح ویژه ای منشاء آگاهی های انسان می شوند و راه کسب معرفت ضیق و محدود نیست تا ضرورتی برای توسل به "نماد" و "نماد اندیشی" پیش آید (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ۳۱۴). البته ایشان تلاش می کند خود را از حصار مستشرقان برهاند و در مواردی هم موفق بوده اما در پاره ای از موارد مثل بحث نماد، چندان موفق نبوده است.

۴-۱-۳- خلط بین کاربرد نماد و زبان نمادین

اندیشمند محترم در عین توجه به بحث کاربرد نماد در مواردی زبان قرآن را "نمادین" دانسته است، البته شاید نظر ایشان از باب تسامح بوده ولی باید توجه داشت، در قرآن از نماد استفاده شده اما نمی توانیم بگوییم: زبان قرآن نمادین است زیرا دین و متون دینی به ما فوق طبیعت تعلق دارند

و از ماوراء نازل شده‌اند لذا علاوه بر طبیعت از ماوراء آن نیز سخن گفته و گزاره‌های خود را با ملاحظه هر دو عالم (طبیعت و ماوراء آن) تنظیم نموده‌اند. در مقام فهم و تبیین تعابیر و گزاره‌های دینی سؤالاتی از این قبیل مطرح است که آیا مراد از گزاره‌های دینی همان است که ما با عقل بشری و در چارچوب ساز و کار ارتباط و تفاهم متعارف بشری درک می‌کنیم یا مفاهیمی فرا تجربی اراده شده‌اند؟! این تأملات آن‌گاه جدی‌تر و دشواری‌اش مضاعف می‌گردد که عقل امکان اراده معنای عرفی از این گزاره‌ها را ناممکن ببیند و برایش شواهدی نیز احساس کند؛ در آن صورت گزاره‌های دینی را بر مجاز و احیاناً نماد و بیانی نمادین حمل می‌کند. (احمدی و مفتاح، ۱۳۹۲، ص ۳۸)

در ارتباط با قرآن به عنوان متنی آسمانی و گزاره‌هایش این دشواری‌ها وجود دارد که هرگاه فهم و دریافت مراد تعابیر قرآنی ناممکن یا دشوار نماید گمانه مجاز، استعاره و بیان نمادین مطرح می‌شود. این رفتار مخصوصاً در آثار نوگرایان و به اصطلاح روشنفکران دینی که از فرهنگ غرب و تعامل آنان با کتاب مقدس متأثر گشته‌اند بیشتر مشاهده می‌شود. یکی از این نوگرایان حسن الدین احمد است که در اثر خود چنین رویکردی را، در برخی موارد، نشان می‌دهد. او در ارتباط با تبیین گزاره‌های قرآنی در مواردی بدون دلیل ادعای نماد و بیان نمادین کرده است.

۲-۳- نقد مبنایی

مبنایی به کار رفته در اندیشه این پژوهشگر پیرامون بحث نماد از جهاتی چند قابل بررسی است

۱-۲-۳ عدم رعایت قواعد زبانشناختی

از دیگر مباحث مرتبط با تعابیر و گزاره‌های قرآنی بحث استفاده از برخی فنون ادبی چون تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه در قرآن است. اندیشمندان مسلمان در این جهت شواهدی از قرآن ذکر کرده و گفته‌اند همان‌گونه که خود قرآن می‌گوید این کتاب به زبان عربی نازل شده است. (شعرا ۱۹۵ و...) لذا باید در مقام اول با آن به عنوان متنی عربی و مطابق قواعد و مقررات متعارف ادب عربی مواجه شد. براین اساس انواع فنون ادبی عربی می‌تواند در این متن مورد استفاده قرار گرفته باشد؛ ممکن است قرآن در جایی از باب حقیقت و در جای دیگر به مجاز سخن گفته باشد. البته اصل در بیانات قرآنی حقیقت‌گویی است مگر آنکه قرینه معتبری بر اراده معنای مجازی وجود داشته باشد. شیخ مفید گوید: عدول از معنای ظاهری در عبارات قرآنی در صورتی جایز است که دلیلی معتبر بر آن وجود داشته باشد. (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ۵-۲۹۴) با توجه به اهمیت این امر دانشمندان

در صورت وجود تردید برای بازشناسی استعمال حقیقی از موارد دیگر این نشانه‌ها را مطرح کرده اند: الف) تبادر از نظر عاقلان آشنا به زبان ب) صحت حمل و عدم صحت سلب. (مظفر، بی تا، ۶۹/۱)

برخی اندیشوران نوگرا به تصور این که کثرت رخدادها، شئون و محدودیت واژه‌ها سبب شده است قرآن در پاره‌ای جهات نمادین سخن گوید؛ در حالی که با توجه به گستردگی ظرفیت ادبیات عرب از سویی، اعتماد اسلام بر عقل و عرف عقلا از سوی دیگر و ارشادات قرآن از ناحیه سوم آن اندازه زمینه و نمونه در واقعیات وجود دارد که خلأئی معرفتی باقی نمی ماند تا نوبت به نماد و نمادسازی برسد و از نماد به منظور تبیین معارف استفاده شود. (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ۲۹۹)

لازم به ذکر است هرگز وجود مجاز، کنایه، و استعاره ملازم نماد انگاری، اسطوره پنداری و تمثیل خیالی نبوده تا از آن تنها به غرض اثر گذاری صرف و بدون پشتوانه معرفتی استفاده شده باشد. برای این اساس دیدگاه فرا عرفی حسن الدین از پشتوانه لازم برخوردار نیست و قواعد زبان‌شناختی هم در آنها رعایت نشده است.

۲-۲-۳ دقت کمتر در حقایق متعالی الفاظ قرآنی

حسن الدین احمد به این نکته کمتر توجه داشته اند که قرآن کریم از افق ما فوق نازل شده و از این رو به ماوراء طبیعت هم پرداخته است. با توجه به محدودیت ظرف واژه‌ها^۱ که برای تعبیر از محسوس وضع شده‌اند^۲ بیان قرآن در ارتباط با عالم فوق حس دو پهلو و متشابه جلوه کرده است؛ امری که سبب شده تا در پرتو ارشادات قرآن دانش محکم و متشابه به وجود آید. متخصصان حوزه علوم قرآنی با توجه به امور پیش گفته و مخصوصاً هنگام تبیین آیه ۷ سوره آل عمران به تفصیل از چگونگی و چرایی پیشامد تشابه در قرآن سخن گفته‌اند. ایشان مهم ترین دلیل این پیشامد را اوج معنا و قصور واژه‌ها دانسته‌اند. (طباطبایی ۱۳۹۷ق، ۳/۶۲-۵۸، معرفت، ۱۴۱۲، ۴۱۶/۱، سعیدی روشن، ۱۳۸۷ص ۱۳۴) البته یادآور شده اند که شمار تشابهات محدود و با ارجاع به محک‌های قابل فهم است. لازم به ذکر است الفاظ قرآن از حقیقت متعالی حکایت می کنند که صرف دو پهلو بودن و عدم درک آنها در وهله اول، دلیلی بر نماد دانستن آنها نمی باشد.

۳-۲-۳ نادیده گرفتن دلالت خارجی کلمات و حجیت ظواهر

حسن الدین احمد همانند سید احمد خان هندی (خاکپور، ۱۳۹۲ ص ۷۴ و ۱۳۹۱ ص ۴۳) بر خلاف اجماع دانشمندان مسلمان و کارشناسان ادب و تفسیر فریقین دلالت واژه ای کلمات را که در خارج تحقق داشته نادیده می گیرد و بدون دلیلی روشن گزاره ها و واژه ها را "نماد" می خواند همان گونه که احمد خان آیات مژده دهنده به بهشت یا هشدارگر از آتش را از باب تشبیه و جهت ایجاد لذت و آلم در دل انسان دیده است. (علوی مهر، ۱۳۸۹، ۱۹۰) البته چالش حسن الدین احمد نسبت به سید احمد خان بسیار کمتر است. اما در مصادیقی که برای نماد ذکر نموده به دلالت خارجی کلمات و ظواهر آنها توجه کافی و وافی نداشته است.

۳-۲-۴ گرفتار آمدن در تفسیر به رای

حسن الدین احمد در پاره ای از موارد دچار تفسیر به رأی شده است. زیرا ظاهر و دلالت ظاهری را در نظر نیاورده و هیچ دلیل و شاهی هم برای برداشت های ذوقی خود ارائه نمی کند؛ بدون دلیل و به صرف استحسان شخصی الفاظ را بر معنای مجازی و نماد حمل می کند واقعیت آن است که برداشت و تفسیر وی از شرایط یک تفسیر مقبول و جامع برخوردار نیست؛ زیرا تفسیری قبول است که مشتمل بر چند مورد باشد:

الف: در مقام اول دلالت الفاظ، اسلوب کلام، معنای ظاهری بر اساس قواعد و مقررات ادب مورد توجه باشد زیرا قرآن کلامی عربی آشکار است.

ب: - از آیات دیگر برای تفسیر استفاده شود زیرا قرآن مجموعه ای به هم پیوسته و منزل از طرف یک سرچشمه بوده و برخی قسمت ها دیگر را تفسیر می کند.

ج: دیگر آنکه از روایات صاحب رسالت (ص) و مخاطبان اول آن یعنی اهل بیت (ع) باید استفاده گردد. (رک. عمیدزنجانی، ۱۳۷۳، ۲۴۲) بر این اساس گفته های حسن الدین احمد را می توان از مصادیق تفسیر به رای دانست.

۳-۲-۵ مفهوم شناسی ناصواب

مفهوم شناسی حسن الدین احمد از نماد- اگر چه خلاصه و کاربردی است - اما اشکالاتی را به همراه دارد.

۱-۵-۲-۳- رمزی دانستن نماد

از تعاریف مختلف درباره نماد چنان دانسته می شود که نماد، اصطلاح یا تصویری تخیلی است که به عنوان نشانه ای برای بیان برخی معانی و یا مأنوس ساختن آن با ذهن انسان مورد استفاده قرار می گیرد. لذا ممکن است به تنهایی و قبل از قرارداد و اعتبار، ارتباط یا ارتباط نزدیکی با آنچه در ادامه، نماینده آن است، نداشته باشد. یعنی نماد به تنهایی معنا و مفهوم روشنی ندارد و از رهگذر اعتبار است که از برخی معانی نمایندگی خواهد کرد. به عبارت دیگر نماد معما گونه و رمزآلود است که واقعیت خارجی ندارد.

۲-۵-۲-۳- مبهم بودن تعریف نماد

بیانات حسن الدین در خصوص تعریف و تبیین نماد پر ابهام است؛ وی نماد را در ردیف و به عنوان قسم تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز آورده است و با آن که می گوید نماد به خودی خود معنایی ندارد و معنای آن تابع قرارداد و در اصطلاح پیرو "وضع واضع" می باشد، وی مدعی است استعاره و دیگر آرایه های ادبی پس از کثرت استعمال می توانند در جایگاه نماد قرار گیرند. این درحالی است که در تشبیه، استعاره و دیگر فنون ادبی جدای از قرارداد و کثرت استعمال، علاقه و تناسب وجود دارد و وجود این مناسبت ها مجوز استعمال آن واژه در معنای مورد نظر شده است. حال آن که در نماد قرینه صریحی وجود ندارد بلکه معنوی و مبهم است. درک نماد مستلزم آشنایی با زمینه های فرهنگی بحث است. البته در مواردی که بیان شد باید افزود "مشبه به" در نماد برچند معنی نزدیک به هم دلالت دارد و به اصطلاح هاله ای از معانی و مفاهیم مربوط و نزدیک به هم، را می رساند. (شمسیا، ۱۳۸۷، ص ۲۱۷)

بر اساس آن چه ذکر شد نماد از داشتن واقعیتی خارجی و معنایی مستقل بی بهره است و شأن قرآن از استعمال الفاظی لغوی، بی پایه و خالی از واقعیت به دور است. قرآن کریم خود و بیان خود را حق دانسته، می فرماید: لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (فصلت ۴۲/ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ (طارق ۱۴/ علامه طباطبایی می نویسد: خداوند منزّه است از آنکه سخن خویش را بر باطل و لغو استوار سازد. (طباطبایی، ۱۳۹۷، ۴۱۲/۲) و آقای جوادی آملی نیز در همین جهات می گوید: سجده فرشتگان بر آدم نه تخیلی و نمادین بلکه بازگویی حقیقی غیبی به صورت محسوس است. (سعیدی روشن، ۱۳۸۷، ۳۰۰).

درست است که قرآن از مفاهیمی فراحسی سخن گفته و در این جهت از کلمات و تعبیر موضوع و مستعمل برای محسوسات بهره گرفته است؛ اما نباید فراموش کرد که استفاده از ظرفیت بالای زبان عربی و فنون ادبی (چون مجاز و کنایه) در چارچوب مسائل زبانشناختی دستمایه کافی برای بیان و انتقال معانی بوده است تا قرآن در ابلاغ پیام خود احساس تنگنا نکند و گرفتار نماد نشود.

قرآن در این جهت از نزدیک ترین و گویا ترین واژه ها برای بیان امور فراحسی بهره برده است. استاد مطهری می نویسد: زبان قرآن در تفسیر خلقت انسان سمبلیک و کنایی است. با این وجود رمز آسا دانستن بیان قرآن به شدت خطاست. (همان، ۳۰۱) همچنین نباید غفلت نمود که مفسران بزرگ مسلمان از همان آغاز در عین پذیرش مجاز در قرآن، اساس مفاهیم قرآن را حمل بر معانی حقیقی نموده‌اند مگر آنکه قرینه و حجتی روشن بر معنای مجازی وجود داشته باشد. مجاز هم در هر زمینه هرگز به مفهوم نمادهای عاری از واقعیت تلقی نگردیده است. به عنوان نمونه طبری در تبیین مراد از ملک در آیه " أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا" (نساء/۵۴) به دلایلی چون فهم عرفی، دلالت زبان عرب و تبادر، آن را به ملک سلیمان و ملک نبوت تفسیر کرده است. (همان، ۳۰۱) البته باید توجه داشت بین حقایق متعالی نازل شده به فرش خاکی و کاربرد اصل نماد تمایزی ظریف است و کلام در این جا بر این استوار است که؛ برخی موارد که نماد دانسته شده از قسم حقایق متعالی است که اصولاً حمل آنها بر نماد صحیح نیست

۶-۲-۳- فروکاستن از نقش سنت و تمایل به قران گرایی افراطی

قرآن گرایان فرقه ای هستند که به زعم خویش داعیه دفاع از اسلام دارند. آن ها از میان اهل سنت برخاستند، و با انکار حجیت سنت، قرآن را یگانه منبع تشریح معرفی نمودند. شبه قاره هند، خاستگاه آغازین این جریان فکری و مصر دومین خاستگاه آن است (خاکپور، ۱۳۹۲ص ۷۴ و ۱۳۹۱ص ۴۳). نامگذاری « قرآنیون» یا « اهل قرآن» وصف ستایشی برای این جریان یا حاکی از شدت تمسک آنان به قرآن نیست، بلکه به خاطر این است که آنان اطاعت و پیروی بدون چون و چرا از پیامبر (ص) را منکر شده اند. حال آن که نص قرآن مردم را به پیروی مطلق پیامبر (ص) فرا خوانده است. به پندار این جریان، بر پیامبر (ص) وحیی غیر از قرآن نشده و برای هیچ سخنی غیر از سخن قرآن حجیتی

نیست. (صبحی منصور، ۲۰۰۶م، ص ۳۵ و مزروعه، ۲۰۰۵م، ص ۵۵) اگر چه دیدگاه حسن الدین احمد در این حد نمی باشد اما عدم مراجعه به روایات باعث گردیده که در اندیشه خود پیرامون نماد به بیراهه برود و چه بسا دچار قران بسندگی و سنت گریزی گردد

۷-۲-۳- تناقض بین مبنا و عمل

حسن الدین هنگام تعریف نماد بر این نکته تاکید می کند که فهم نماد در بستر متن ممکن است و یک نماد می تواند در متن های متفاوت معانی متفاوت داشته باشد. وی اذعان می کند که برای درک اصطلاحات قرانی لزوماً باید به خود قران مراجعه کرد. اما در عمل این دو مبنا را رعایت نمی کند و در مواردی نماد را فارغ از متن و کاربرد قرانی تبیین می کند، که در قسمت نقد مصداقی به آن می پردازیم

۳-۳-۳- نقد مصداقی

شاید مهمترین چالش این اندیشمند در بحث نماد، مصادیق مطرح شده باشد. مواردی که حسن الدین به عنوان شاهدی برای بیان مقصود خود آورده، ذوقی و قابل مناقشه است. نویسنده برخلاف متعارف اهل لغت و تفسیر در اراده مراد مشخص از واژه ها، از معنای ظاهری عدول نموده و برای نماد انگاری و عبور از ظاهر، مجوز یا قرینه‌ای هم ارائه نکرده است! رفتاری که برخلاف سیره عقلا و در واقع ساختارشکنی در عرف زبان شناسی است.

۱-۳-۳- واژه "صبح"

حسن الدین احمد میان کاربرد اسمی واژه "صبح" با استعمال فعلی آن که به تامه و ناقصه تقسیم می گردد، تمایز قائل نشده است. استفاده ذوقی او سبب شده، "صبح" را نمادی از "زمان عذاب" بگیرد. ممکن است فرد دیگری معنای نمادین دیگری برای این واژه استنباط و ادعا کند. اگر ماجرا چنین باشد که نه بر اساس واقعیات خارجی و استعمال رایج میان اهل زبان، بلکه بر اساس ذوق برخی واژه‌ها را نماد برای بعضی معانی دانست، آن هنگام مبنای ثابت و مقبولی برای فهم زبان قرآن باقی نمی ماند و این همان مشکلی است که در ارتباط با تفاسیر به رأی، اشاری و باطنی مطرح می شود.

ریشه "صبح" ۴۵ بار در قرآن به کار رفته است که بیشتر موارد استعمال به هیچ وجه (به صورت جانشین یا هم‌نشین) با زمان عذاب ارتباطی ندارد. ولی نویسنده آن را نماد وقت عذاب دانسته است.

مواردی که واژه صبح به صورت فعل ناقص به کار رفته، تنها از دگرگونی حالت خبر می دهد و به هیچ وجه نمی تواند نماد باشد، زیرا: هیچ اشاره ای به زمان ندارد و بحث زمان برای آنها متنفی است. مثال اول، دوم و مثال آخر نویسنده محترم از این نوع است. مواردی کلمه صبح به صورت فعل تامه به کار می رود که برای غیر عذاب است براین اساس هیچ ربطی به نماد ندارد. مثل (روم/۱۷) تنها مواردی که فعل تامه باشد و برای زمان عذاب هم استعمال شود، احتمال نماد بودن آن وجود دارد. البته این موضوع خاص واژه صبح نیست و واژه های "بیات، ضحی و مشرقین" نیز برای زمان خاصی از تادیب و تنبیه استفاده شده اند. مثل (اعراف/۹۸) (حجر/۷۳) و... بنا بر این واژه "صبح" هنگامی به عنوان نماد برای عذاب به شمار می رود که اولاً: تامه باشد و ثانیاً: با واژه هایی مانند عذاب، صیحه و... همراه باشد تا فضای لازم برای انتقال ذهن خواننده به سوی عذاب فراهم گردد.

۲-۳-۳ واژه ریح

اصل این کلمه روح است که "او" به "ی" بدل شده و به معنی: "باد و بو" می باشد. مثل آیه ۳۲ شوری و ۹۴ سوره یوسف (خوری شرتونی، ۱۴۰۳؛ ۴۴۴) اما گاهی اوقات کنایه از قدرت و نیرو است به عنوان نمونه: در آیه «لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم» (انفال، ۴۶) و ممکن است استعاره از نیرو و غلبه باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، ۳۷۰) یعنی منازعه نکنید و گرنه زیون می شوید و نیرو و قدرت شما از بین می رود. ریح در قرآن هم در "باد عذاب" و هم در "باد رحمت" استعمال شده، گر چه در اولی بیشتر است. در آیه (اسراء، ۶۵) به معنی: باد عذاب و در آیه: یونس / ۲ باد رحمت مراد می باشد. اما "ریاح" همواره در باد های رحمت به کار رفته است، مثل کهف (۴۵) پاره ای از استعمالات قرآن صحبت از بادی است که در خدمت حضرت سلیمان علیه السلام بود، مثل آیات ص (۲۶)؛ انبیاء (۷۹، ۸۱) و... به این معنی که سلیمان باد را رام کرده و به دستور ایشان هر کجا که می خواست جاری می شد و حضرتش را حمل می نمود. در پاره ایی از آیات صحبت از بادی است که قوم عاد را هلاک کرد این نوع باد با عناوین متعددی به کار رفته گاهی به "والریح العقیم" (ذاریات، ۱۴۱) و در پاره ای موارد "ریح صر صر عاتیه" (حاقه، ۶) و یا "ریحا صرصر فی ایام نحسات..." (فصلت، ۱۶)؛ و "ریح صرصر فی یوم نحس..." (قمر، ۱۹). که نشان می دهد این باد دارای اوصاف متعددی بود. خیری در آن نبود "ریح عقیم" یا بسیار سرد و «

پر سرو صدا بود» (صرصر). و... (قرشی، ۱۳۸۶، ۳، ۱۴۲) استعمال دیگر کلمه "ریح" درباره بادهای آبتن کننده ابرهاست "و ارسلنا الريح لواقع..." (حجر، ۲۲) در تمام کاربردهای قرآنی معنی آن واضح است اگر چه در برخی موارد معنی استعاری یا کنایی آن بیشتر مد نظر بوده اما هیچ گاه نمادی برای رشد فکری و عقلانی نیست.

البته استدلال و مقایسه ای که حسن الدین بین بادهای ابرها با آیات قرآن می کنند، نکته قابل تاملی است اما این یا از باب تشبیه است و یا "تاویل". اگر این گونه هم بیان کنیم که مراد معنای تاویل آیه است باز هم از قسم نماد نمی باشد.

۳-۳-۳- واژه صلاه

. جناب حسن الدین هنگام طرح بحث نماد تذکر می دهد که قرآن گاهی اوقات اصطلاحات خاصی وضع نموده است اما در عمل از این مبنای خود غفلت نموده اند زیرا واژه صلوٰه از همین قسم است، این کلمه در اصل به معنای دعا، توجه و انعطاف می باشد، اما در اصطلاح قرآنی و اسلامی به شکل خاصی از دعا اطلاق می شود که ما آن را «نماز» می گویم (راغب، ۱۴۱۴، ۴۹۱). بر این اساس هیچ دین و شریعتی بدون «صلاه» نبوده، گرچه در کیفیت آن با هم اختلاف داشته اند. همان طور که خداوند در مورد بنی اسرائیل می فرماید: «اقیموا الصلوٰه...» (یونس / ۸۷) یا حضرت ابراهیم می فرماید: «رب اجعلی مقیم الصلوٰه...» (ابراهیم / ۴۰) یا راجع به حضرت موسی می فرماید: «واوصانی بالصلوٰه...» (مریم / ۳۱) و... (قرشی، ۱۳۸۶، ۴/۱۴۹) بر این اساس کاربرد صلوٰه در آیه ی ۸۷ سوره مبارکه هود، هم به همان معنای پیش گفته است و نماد "دین" که بیان شده خالی از حجت و دلیل است.

۳-۳-۴- واژه رجم

این کلمه در اصل به معنی سنگ زدن و سنگسار است (راغب، ۱۴۱۴، ۳۴۴؛ قرشی، ۱۳۸۶، ۵۹/۳) اما عده ای آن را به معنی قتل گرفته اند. (خوری شرتونی، ۱۴۰۳، ۳۱، ۳۹) که به نظر قتل به وسیله سنگ زدن درست تر است. راغب می گوید رجم به طور استعاره به نسبت و گمان (توهم) فحش و طرد هم اطلاق می شود. مثل آیه ی «رجماً بالغیب» (کهف/ ۲۲) اما در آیه مورد بحث ظاهرش همان سنگ زدن و قتل است (قرشی، ۱۳۸۶، ۵۹) یا ممکن است منظور "نسبت و گمان" باشد که در این صورت معنی آیه یعنی "به خدا پناه می بریم که مرا به دروغ نسبت دهید". (راغب، ۱۴۱۴، ۳۴۵) برخی هم مراد "شتم و ناسزا" گرفته اند. به هر حال یا معنی ظاهری مراد است

که استعمال حقیقی است و یا معنای استعاری، اما به هر شکل آن چه حسن الدین بیان فرموده اند خالی از حجت و دلیل است.

۴- نتیجه

نماد یکی از پر نفوذترین و جذاب ترین شیوه هایی است که انسان به کمک آن درون مایه پرتکاپوی خیال و اندیشه خود را بروز می دهد. حسن الدین احمد نیز بحث نماد را به فراخور سطح کتاب و به اختصار بیان می نماید که در عین مفید بودن از ساحت های گوناگون قابل نفوذ ارزیابی است. بهره گیری از منابع غیر اصیل، عدم مراجعه به نظر مفسران، تاثیر پذیری از مستشرقان و... از آسیب های این اثر در بعد روشی است. از سوی دیگر تناقض بین مبنا و عمل در تبیین نماد براساس متن، فرو کاستن از نقش سنت و گرفتار آمدن در قران گرای، تاویل های بی ضابطه، گرفتار آمدن در تفسیر به رای، عدم رعایت قواعد زبانشناختی و... از کاستیهای مبنایی اندیشه حسن الدین می باشد. از مهمترین چالش های وی مصادیقی است که به عنوان شاهدی برای بیان مقصود خود آورده است. واژه "صبح" هنگامی به عنوان نماد برای عذاب به شمار می رود که اولاً: تامه باشد و ثانیاً: با واژه هایی مانند عذاب، صبحه و... همراه باشد تا فضای لازم برای انتقال ذهن خواننده به سوی عذاب فراهم گردد.

۵- منابع

۱. احمد زاده، سید مصطفی قد کتاب رویکردی نو به مطالعه قران، فصلنامه مطالعات قرانی، دوره ۶ شماره ۲۳ صص: ۴۰-۲۳، ۱۳۹۴
۲. احمدی، محمدصادق؛ مفتاح، احمد رضا، مقاله "نماد هفت در قرآن و مکاشفه یوحنا" مجله معرفت ادیان، - موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۱۶ صص ۳۷- ۵۴، ۱۳۹۲
۳. اسعدی، محمد و محمود طیب حسینی، محکم و متشابه، پژوهشی در محکم و متشابه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۰ ش
۴. امامی، صابر، نماد و جایگاه آن در قران، مجله کتاب ماه هنر شماره ۱۲ صص ۴۰-۳۲، ۱۳۷۸.

۵. خاکپور، حسین، جریان های نوگرا در شبه قاره هند، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال چهارم، شماره ۱۱، صص ۶۰-۴۳، ۱۳۹۱ش
۶. خاکپور، حسین ، بررسی دیدگاه سیداحمدخان هندی درباره وحی، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال پنجم، شماره ۱۷ صص ۹۴-۷۳، ۱۳۹۲ش،
۷. خاکپور، حسین؛ کردی، عبد الغنی، اعجاز قرآن از دیدگاه حسن الدین احمد در کتاب رویکردی نو به مطالعه قرآن، همایش سراسری علمی- پژوهی اخلاق و آداب حسینی، تایباد، ۱۳۹۳
۸. حسن، عباس، النحوالوافی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۷
۹. خوری شرتونی، اقرب الموارد، قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۳
۱۰. راغب اصفهانی، محمد حسین، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴
۱۱. رشیدی، هدایت ، نماد های جاندار در قرآن، مجله علوم قرآن و حدیث ، سال ۴۵ شماره ۹۰، ۱۳۹۲
۱۲. رضایی ، محمد؛ علم الهدی، سید علی ؛ محمدی، ناصر؛ شریف پور، مریم، علامه طباطبایی زبان نمادین و انشایی در قرآن، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن ، دوره ۲ شماره ۲ صص ۱۱۶_۹۷. ۱۳۹۳
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی، قرآن و زبان نمادین، مجله آموزه های قرآنی، دوره ۶ شماره ۱۲ صص ۳۰-۲۳، ۱۳۸۹
۱۴. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۸۷ش
۱۵. شمیسا، سیروس، بیان ، چاپ سوم، تهران: میترا. ۱۳۸۷
۱۶. صبحی، منصور، احمد، القرآن و کفی مصدرا، بیروت، موسسه الانتشار العربی، ۲۰۶۶م
۱۷. صغیر، محمد حسین علی، دراسات قرآنیه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ق
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان قم: منشورات جماعه المدرسین . ۱۳۹۷ق
۱۹. علوی مهر، حسین، روش های و گرایش های تفسیری، چاپ دوم. تهران: اسوه، ۱۳۸۹ش

۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد. ۱۳۷۳
۲۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قران، تهران: دارالکتب الاسلامیه. ۱۳۸۶ش
۲۲. مزروعه، محمود، شبهات القرآنیین حول السنه النبویه، متدی التوحید. ۲۰۰۵م
۲۳. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی. بی تا
۲۴. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القران، قم: موسسه النشر الاسلامی. ۱۴۱۲ق
۲۵. ناظر زاده کرمانی، فرهاد، نماد گرایی در ادبیات نمایشی، تهران: برگ. ۱۳۸۰
۲۶. یونگ، ک، انسان و سمبولهایش، ترجمه: ابوطالب صارمی، تهران: امیر کبیر. ۱۳۵۲

